

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نورالله وثوق
۲۰۰۹/۰۱/۳۰

چنگ ضحاک

سیلی جانانه

سخن از رونوشت سر گذشته
نمی بینی که آب از سر گذشته
بگو شم سیلی جانانه ای گفت
تو را تاریخ مصرف در گذشته

اسیر

اگر در چشم هم نشتر نبودیم
چنین حیرانی هر در نبودیم
اگر بودی سری مو دید هوشی
اسیر دست کور و کر نبودیم

نمی شرمی

بر این ویرانه فکرت بام و در ساز
به خود آی و ز خود چیزی دگر ساز
دلا سازنده بزم خودی شو
نمی شرمی که می رقصی به هر ساز

غزوه غزه

درین وادی چه منزل می سپاریم؟
چرا حق را به باطل می سپاریم؟
حدیث غزوه را در غزه دیدیم
به کافر از چه رو دل می سپاریم

درفش کاویان

زبان را گر چنان خنجر نسازیم
اگر از مشت دل سنگر نسازیم
درفش کاویان از آن ما نیست
اگر خود را چو آهنگر نسازیم

چنگ ضحاک

چرا بر ریشه خــــود بر نگردی؟
چرا مــــرد ره باور نگردی؟
"قباد" و "قارن" ات در چنگ ضحاک
چرا چــــون "کاوه" آهنگر نگردی؟

بال اقبال بلا

من و تو گر که از اصحاب رازیم
به پای "بولهب" هــــا سر نبازیم
بدا تا بال اقبــــال بــــلاییم
خوشا روزی که شب را پر نسازیم

ناتنی

چرا خود را چنان صرصر نسازیم؟
خزان را از چه رو پرپر نسازیم؟
ازین پس رسم دیگــــر پــــیش باید
بیا هــــر ناتنی را سر نسازیم

خاکریز و سنگر

بیا تا بــــرده هر در نگردیم
کلاه رهنــــان را پر نگردیم
بیا تا خاکــــریز خویش باشیم
به هر بیگانه ای سنگر نگردیم

آواره

به دشمن گــــر که همبـاور نبودیم
چنین آواره هــــر در نبودیم
به خود گر لحظه ای را رو نمودیم
ولی تالــــحظه دیگر نبودیم

تیغه خنجر

ز اشک دیده ها ساغر کشیدیم
به هر سو تیغه نشتر کشیدیم
چه می گویی که ما از سر کشانیم
در هر ناکسی را سر کشیدیم

پانوش

ضحاک : آورده اند که سپهسالاری ستمگر بود و دو مار در شانه او روئیده و هر روز مغز سر دو انسان بیگناه خوراک آن دو مار. سر انجام کاوه آهنگر پدر قباد و قارن درفشی ساخت و مردم را بر آن داشت تا با همدستی او ضحاک را بر اندازند و چنین شد.